اطلاعیه کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از مبارزات حق‌طلبانه کارگران چیت‌سازی بهشهر حمایت می‌کنیم

عدم رسیدگی دولت به خواست‌ها و مشکلات کارگران را تقبیح و محکوم می‌کنیم

مبارزه کارگران کارخانه چیت‌سازی بهشهر که از دو سال پیش با نامه‌نویسی به مقامات دولتی شروع شد به خاطر بی‌توجهی و سلب مسئولیت مقامات دولتی در ماه گذشته با تظاهرات خیابانی کارگران و شرکت قریب به ۳۵ هزار نفر از مردم عادی شهر بهشهر که در همبستگی با کارگران به تظاهرات آن‌ها پیوسته بودند به اوج خود رسید. در اثر سرسختی مقامات دولتی و محلی در برابر کارگران از تاریخ ۲۴ فروردین تاکنون اعتراض کارگران به شکل مخفی و اعتصاب غذای عده‌ای از کارگران هم‌چنان ادامه یافته است.

طبق اخبار و گزارشاتی که در روزهای اخیر منتشر گردید وضعیت مزاجی عده‌ای از کارگران که اعتصاب غذا کرده‌اند آن‌چنان وخیم است که مجبور شده‌اند آنان را به بیمارستان منتقل کنند. بنا به گزارشی که در روز جمعه ۱۶ خرداد در اخبار روز انتشار یافته است به نقل از یکی از فعالین سندیکایی گفته شده است این اعتصاب هم‌چنان ادامه دارد و کارگران مصمم هستند که مقاومت کنند. بنا به گفته این فعال سندیکایی فرماندار قصد دارد به هر شکلی مقاومت کارگران را درهم بشکند. برخورد فرماندار و مقامات محلی با اعتصابیون از آغاز تاکنون خصمانه و تهدیدآمیز بوده‌است و اگر تاکنون به خشونت زیاد متوسل نشده‌اند به دلیل نگرانی و ترس آن‌ها از پیامدهای ناگوار سرکوب و همبستگی شدید کارگران و همدردی گسترده مردم شهر با اعتصابیون بوده است.

پرداخت حقوق معوقه دو سال گذشته، تعیین تکلیف و راه‌اندازی مجدد کارخانه و بازگشت کارگران بلاتکلیف به سر کار از مهم‌ترین خواسته‌های کارگران چیت‌سازی بهشهر می‌باشد.

علت اصلی بروز مشکلات در کارخانه چیت‌سازی بهشهر و هزاران کارخانه دیگر که از مدت‌ها پیش به یک بحران فراگیر تبدیل شده و تاکنون دولت نتوانسته و یا نخواسته است که اقدامی جدی برای حل آن به عمل آورد، سیاست‌های اقتصادی دولت است. در نتیجه اجرای این سیاست است که کارخانه‌های صنفی و تولیدی دچار ورشکستگی می‌شوند و کارگران و کارکنان آن‌ها بدون بهره‌مندی از بیمه بیکاری و سیاست‌های اجتماعی حمایتی به طور غیرمسئولانه‌ای به حال خود رها می‌شوند و انبوهی از بیکاران که اینک تعدادشان بالغ بر ۵ میلیون نفر می‌گردد به صورت ارتش گرسنگان و بیکاران در کشور به وجود می‌آید. بدون شک ادامه این سیاست دامنه بحران‌های موجود را گسترده‌تر کرده و اعتراضات گسترده‌تری را در پی خواهد داشت. یکی دیگر از نتایج مخرب این سیاست بدهی خارجی ۴۳ میلیارد دلار است که پرداخت بهره سالانه آن اقتصاد ناتوان کشور را ناتوان‌تر خواهد کرد.

یکی از مهم‌ترین خواسته‌های کارگران بخصوص کارگران بیکار شده در طول سال‌های گذشته این بوده است که در زمان بیکاری به مانند کارگران بسیاری از کشورهای دیگر تحت پوشش بیمه بیکاری و بیمه‌های اجتماعی قرار گیرند. اما دولت تاکنون از تحت پوشش قرار دادن اکثریت قریب به اتفاق بیکار شدگان خودداری کرده است.

کمسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن پشتیبانی از خواسته‌های برحق و مبارزه حق‌طلبانه کارگران چیت‌سازی بهشهر و اعلام همبستگی با آنان بی‌توجهی، و سلب مسئولیت مقامات دولتی و محلی به خواسته‌ها و شکایت و عدم رسیدگی به آن‌ها را تقبیح و محکوم می‌کند. ما خواهان آن هستیم که کلیه کارگران بیکار تا ایجاد کار و بازگشت به سر کار تحت پوشش بیمه بیکاری و اجتماعی قرار گیرند. دولتی که قادر به حل مشکلات مردم نیست بهتر آن است که کنار برود تا مردم دولت دلخواه خود را روی کار آورند.

کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۷ خرداد ۸۲

اطلاعیه کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفیق هوشنگ زرین‌کلک جهان را بدرود گفت

با کمال تاسف اطلاع پیدا کردیم که رفیق هوشنگ زرین‌کلک، کارگر هنرمند و خیاط، عضو سابق هیئت مدیره سندیکای کارگران خیاط تهران در شهر قزوین جهان را بدرود گفت.

رفیق هوشنگ را عده زیادی از کارگران صنوف بخصوص کارگرانی که به مرکز سندیکایی لالهزار تهران رفت و آمد داشتند حتما به یاد دارند. زیرا هوشنگ در اجتماعات و گردهم‌آیی‌های کارگران در دوران انقلاب و پس از انقلاب که در محل پنج سندیکای معروف در مرکز سندیکایی لالهزار تهران تشکیل می‌گردید شعرهایی را که یا خود سروده بود و یا سروده‌های شاعران خلقی و کارگری بود با صدای آرام و زیبایش برای کارگران می‌خواند و همگی را به شعور و وجد می‌آورد. هوشنگ شعرهایش را برای کارگران می‌سرود و آن‌ها را فقط برای کارگران می‌خواند درست و یا نادرست معتقد بود که شعرهایش برای دیگران قابل درک نیست. رفیق هوشنگ از هم‌رزمان رفیق بندی مسئول تشکیلات صنوف تهران سازمان و از اعضای سازمان ما بود. پس از دستگیری و اعدام رفیق بندی، هوشنگ به خاطر صمیمیت و نزدیکی فراوانی که با بندی داشت دچار افسردگی روحی شد و این افسردگی تا پایان عمر او را همراهی کرد. صداقت و سادگی و صمیمیت هوشنگ زبانزد عام و خاص بود.

کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، درگذشت رفیق هوشنگ زرین‌کلک را به خانواده او و فعالین جنبش سندیکایی و کارگری تسلیت می‌گوید. هوشنگ گرچه اینک از میان ما رفته است ولی سروده‌ها و آوای دلنشین او همچنان گرمی‌بخش اجتماعات و محافل کارگری خواهد بود. یادش گرامی باد.

کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مخالفت سران خانه کارگر با انطباق قانون کار ایران با کنوانسیون‌های ILO

به دنبال توافق وزارت کار و نماینده ILO مبنی بر اصلاح تبصره ۹ ماده ۱۳۱ قانون کار و انطباق این تبصره با کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار مربوط به حقوق سندیکایی، سران خانه کارگر، مخالفت خود را با این توافق و اصلاح قانون کار اعلام کردند. محجوب در واکنش به این توافق گفت، هیچ فرد و یا وزارت‌خانه‌ای نمی‌تواند اصول قانون اساسی را کوچک بشمارد. طبق گفته ایشان ماده ۱۳۱ قانون کار و تبصره آن آزادی و استقلال تشکل‌ها را به معنی کاملش حتی پیش از جوامع دیگر فراهم کرده است؟! تغییر و اصلاح این قانون مستلزم رجوع به مجلس خبرگان و رفراندوم است؟!

جالب این که گردانندگان خانه کارگر خود جزو کسانی بودند که خواهان پذیرش وامضای کنوانسیون‌های ILO بودند. اما امروز که قضیه جدی شده است با آن مخالفت می‌کنند.

مهمترین مسایل و مشکلات جامعه کارگری در سالی که گذشت

محمد فراهانی (عضو سابق هیئت مدیره سندیکای کارگران خیاط)

به قل از آوای کار

عمده‌ترین مسایل کارگری در سال ۸۱ بیکاری و کم‌کاری در بخش صنوف و درهم‌ریختگی در بخش صنعت بود. بحران تولید در کشور ما از ضعف مدیریتی و خطای استراتژیکی مدیران بانک جهانی رنج می‌برد. رنج مضاعف صنعت ما ویژگی نگاه حجره‌ای، دکان‌داری و نگاه دلال‌مآبانه اکثریت صاحبان قدرت نسبت به صنعت و تولید است. بعد از این که بانک جهانی دستور داد صنایع به بخش خصوصی واگذار شوند و مدیران ما، اطاعت کرده و به اجرا گذاشتند. اهمیت مسئله، چگونگی واگذاری و به کدام بخش خصوصی، بود. واقعیت این است که عمده‌ترین سرمایه را بعد از انقلاب دلالان و واردکنندگان کالا و رانت‌خواران نصیب خود کرده‌اند که به عناوین مختلف هم در قیمت‌گذاری خارج از کنترل، هم در کیفیت و کمیت کالاهای وارداتی و همچنین پرداخت هرگونه عوارض خارج از چهارچوب قانون، اغلب فوق قانون عمل کرده و می‌کنند. اینان عمده‌ترین چپاول را نصیب خود کرده و بالاترین رقم نقدینگی بخش خصوصی از آن ایشان است. تجاری که به سود بسیار بالا و بدون ریسک و با تضمین و تکیه به قدرت عادت داشتند، پا به میدان خرید کارخانه‌ها گذاشته و با استفاده از حامیان پانفوذ خود در قدرت، کارخانه‌ها را بدست آورده با گرو گذاشتن آن‌ها نزد بانک‌ها به نقدینگی خویش افزودند. کالاهای مشابه تولید همین کارخانه‌ها را از خارج وارد کرده و از این طریق مشکلات گسترده‌ای در راه تولید و برای طبقه کارگر ایران و سرانجام بیمارکردن اقتصاد کشور به وجود آوردند. حضور نمایندگان سرمایه‌داری دلال در قدرت، افق دید مدیران صنعتی و اقتصادی کشور را، تا حدی یک دکان‌دار و تاجر بازاری تنزل داده و مایه و پایه درهم‌ریختگی و انهدام تولید در کشور شد.

خصوصی‌سازی که ناشی از اراده قدرت حاکم برای حرکت در مسیر تابعیت از دستورات بانک جهانی و یا جهانی‌شدن اقتصاد بود، با توجه به بی‌پرنسیبی و عدم شناخت مسئولین امور اقتصادی از اصل موضوع و تلاش سرمایه‌های کلان و وابسته به قدرت برای غصب دستاوردهای صنعتی و نابودکردن آن‌ها، که راه را برای طرف قرارداد خود، یعنی تولیدکنندگان اروپایی و آمریکایی باز می‌کرد، نتیجه و حاصلی جز خردشدن صنایع و بیکار شدن کارکنان آن‌ها در پی نداشت. اخراج‌ها، بازخرید کردن‌ها و نپرداختن حقوق‌ها همان مسیری را طی می‌کرد که اربابان سرمایه جهانی و امپریالیست‌ها در عرصه خطاهای استراتژیک خود طی کرده بودند.

اقتصاد آزاد و مبتنی بر تجارت و رقابت بازار با حذف سوبسیدها و حمایت‌ها، اقلیتی از جامعه را که سرمایه نیرومندتر داشتند در موقعیت بالاتری قرارداده و اکثریت جامعه را به مثابه ابزار و وسیله کسب سود قوی‌ترها، خرد و درهم‌شکسته کرد. اقتصاد مبتنی بر نظام جنگل توانست ترانست‌ها و کارتل‌های بزرگ را بزرگ‌تر، سرمایه‌های خرد را تابع و نیروی کار را از لحاظ معیشتی به شدت گرفتار کند. خطای استراتژیک سرمایه جهانی این بود که نمی‌توانست آسیبی را که از فقیر شدن اکثریت مردم، به خود سرمایه برمی‌گردد را بشناسد. وقتی قدرت‌های بزرگ مالی با شیوه تولید مدرن، نیروی کار را بیکار و عرضه آن را پیش از تقاضا دیدند. قیمت خرید نیروی کار را کاهش و قوانین حمایت از نیروی کار را تغییر دادند. اکثریت جامعه را دچار فقر کردند، و در واقع مشتری‌های کالاهای تولید شده صنایع خود را از دست دادند. وقتی اکثریت جامعه فقیر شده و قدرت خرید و مصرف ندارد انباشت سرمایه و به تبع آن بانک‌ها دچار بحران می‌شوند و الزاما برای پیدا شدن بازارهای جدید دسیسه‌ها رشد می‌کند و جنگ‌ها در می‌گیرد. این خطای اقتصادی از مجریان بزرگی چون ریگان و تاچر شروع شد و متاسفانه مدیریت جامعه ما علی‌رغم این که شکست این استراتژی خود را کاملا نشان داده، در حال اجرای آن است. بیکاری، عدم تنوع در تولید، نپرداختن یارانه به بخش تولید و عدم حمایت هوشیارانه از ادامه تولید و مصرف در جامعه، نبود کنترل کیفیت و قیمت به صورت علمی و واقع‌بینانه از طرف مدیریت جامعه و از همه مهم‌تر، نبودن تشکل‌های مستقل صدمتی مانند احزاب و تشکل‌های کارگری که می‌توانند نظارت مستقیم و متشکل مردمی را بر تصمیم‌های کلان اجتماعی داشته و مانع کژاندیشی و کوژبینی طراحی‌های ضد مردمی باشند، عمق فاجعه را بیشتر و بیشتر کرد.

یکی از شعارهای برجسته آقای خاتمی پس از تشکیل جبهه دوم خرداد، شعار جامعه مدنی بود. در توضیح جامعه مدنی، ایشان نهادهای مدنی و تشکل‌های مستقل مردمی را نشانه جامعه مدنی معرفی کردند. انتظار به حق طبقه کارگر ایران از سردمداران جبهه دوم خرداد، به رسمیت شناختن تشکل سندیکایی و تشویق کارگران به ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل بود. ولی متاسفانه در این زمینه حتی جبهه مشارکت رفتاری محافظه‌کارانه در پیش گرفت. برخی نشریه‌های دوم خردادی از جمله نوروز آرام آرام طرح تشکیلات مستقل را مطرح کردند و پس از آن به معرفی انجمن‌های صنفی مستقل که تکیه بر وزارت کار داشتند پرداختند. بیشتر وقت بخش اقتصادی - کارگری روزنامه نوروز به کلنجار رفتن با شورا‌های موجود و تشکلی صرف شد که وابستگی آن به یکی از احزاب جبهه دوم خرداد روشن بود. سئوال این است که بخش دمکرات جامعه ما در حاکمیت، وقتی اذعان دارد که سندیکاها و اتحادیه‌های مستشکل از سندیکاهای مستقل می‌توانند رابطه قدرت و نیروی کار را فراهم کنند، چرا باز سعی در ایجاد تشکلی دست‌ساز در وزارتخانه‌ها و تحت نظر قدرت حاکم دارد؟ آیا درک این موضوع مشکل بود که برای تشکیل سندیکاهای مستقل بایستی به سندیکاهایی که تشکل آن‌ها به صورت غیرقانونی تعطیل شده و از دیدگاه حقوق کار، سندیکای جهانی و مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار، هم‌اکنون هم نمایندگان واقعی کارگران هستند، روی آورد و با یک فراخوان زمینه را برای حرکت آن‌ها جهت ایجاد سندیکاهای مستقل فراهم کرد. متاسفانه مشارکتی‌ها نه تنها به رهبران سندیکایی با تجربه، توجهی نداشتند بلکه با ایجاد یک تشکل دولتی ساخته و معرفی آن در وزارت کار به نمایندگان سازمان جهانی کار، آبروی خود و جناح دمکرات حاکم را در مجامع بین‌المللی هزینه کردند و حتی به حیثیت ملی و شعور اجتماعی مدیران جامعه ما از منظر آزادی‌خواهان جهان صدمه وارد کردند. در مقابل کارگران سندیکایی با تلاش فراوان و بدون کوچکترین حمایتی موفق شدند در بسیاری زمینه‌ها فرهنگ تشکل‌یابی و سازماندهی نیروی کار را فراهم کنند. تلاش کارگران سندیکایی برای ترویج سندیکا از مصاحبه‌های گوناگون با مجلات مستقل شروع شد و با ایجاد روابط با بدنه جامعه کارگری روحیه اتحادیه‌ای در صنعت آرام آرام دمیده شد. هماهنگی و تداوم اعتراضات کارگران صنایع نساجی نسبت به انهدام این صنعت و تلاش کارگران چیت ری برای حفظ کارخانه و ادامه تولید آن، حمایت همه‌جانبه و به موقع کارگران نساجی‌های کشور از ادامه اشتغال و جلوگیری از فروش این صنایع که واقعا به صورت فاجعه‌وار و به ثمن بخس در حراجی خانگی به دندان تیز رانت‌خواران سپرده شده بود، کاری بود عظیم که با مضمون و حمایت اتحادیه‌ای انجام گرفت. از اعتراضات خیابانی گرفته تا طرح شکایت در مجامع حقوقی و قضایی در صنعت نساجی نشان داده شد که کارگران مصالح ملی را بیشتر از مدیران می‌فهمند. کارگران نساجی طی طوماری از مجلس شورای اسلامی خواستند که با تصویب قوانین راه و زمینه را برای تشکیل تشکل‌های صنفی مستقل بازکنند ولی پاسخی جز طعن و توهین مدعیان دمکراسی و تشکل‌های متکی به قدرت نگرفتند. تصویب آیین‌نامه ماده ۱۹۱ قانون کار و محدود کردن امتیازات کارگران یکی از جلوه‌های دمکرات‌های محافظه‌کار در زمینه مسایل کارگری بود. بی‌توجهی به حقوق کار، بی‌توجهی به اعتراضات کارگرانی که ماه‌ها حقوق نگرفته بودند و در کوچه و خیابان‌ها و مقابل مجلس تجمع داشتند و عدم برگزاری حتی یک نشست حمایتی یا همپایی کوچک به جای خود محدودکردن حقوق اجتماعی کار و حق‌کشی آشکار از طرف نمایندگان کارفرما و دولت و نمایندگان قدرت ساخته، استبداد آشکار دمکرات‌های!! ما را عیان کرد.

مشکل اساسی صنعت نساجی

این پرسش مطرح است که آنچه بر صنعت نساجی ما آمد سرنوشتی محتوم بود؟ یا می‌توانست به گونه‌ای دیگر رقم بخورد؟ چرا صنعت نساجی به اینجا رسید؟ تصمیم‌های نابجا، محاسبات غلط یا روش‌های نادرست کجاها بود؟ پاسخ و نظرات متفاوتی به این سئوالات داده می‌شود. در اینجا به طور خیلی مختصر یک دیدگاه کارشناسی و از زاویه‌ای خاص، ارایه می‌گردد.

مشکل اساسی صنعت نساجی
ناکارآمدی مدیریت‌هاست.

سیداحمد نخجوانی پژوهشگر و کارشناس مسایل اقتصادی می‌گوید: اصلی‌ترین مشکل صنعت نساجی کشور باید از جانب تقاضا در اقتصاد، مد نظر قرار گیرد. کمتر کسی به این نکته توجه دارد که تقاضا برای کالاهای تولیدی صنعت نساجی، دچار بحران اساسی است.

ایشان گفتند بسیاری از صاحب‌نظران، مشکلات اساسی این صنعت را ناشی از کهنه بودن فناوری، مدیریت ناکارآمد، حمایت مستمر دولت و وجود کالای قاچاق می‌دانستند. ولی باید به این نکته نیز توجه داشته باشند! آمار دقیق نشانگر این است که تحولات اساسی در ساختار مصرف خانواده‌ها رخ داده است. اگر مصرف پوشاک خانوارها جایگزینی برای تقاضای نساجی در کشور تلقی شود، متاسفانه باید گفت طی سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ مصرف پوشاک با هزینه واقعی و تورم در خانواده شهری ۳۵ درصد و در خانوار روستایی ۵۲ درصد کاهش یافته است. در میان اجزای بودجه خانواده‌ها هیچ چیزی تا این اندازه کاهش نداشته. دلیل این وضعیت نگران‌کننده نیز فقر خانواده‌هاست. نخجوانی تاکید می‌کند که طی سال‌های ۷۰ تا ۸۰ مصرف کالاهای خوراکی خانواده‌های شهری ۸ درصد و روستائی ۸/۷ درصد پایین آمده و خانواده‌ها پس از این به کاهش پوشاک خود تا حد ۵۰ درصد روی آورده‌اند تا بتوانند بودجه کالاهای ضروری همچون مسکن، بهداشت و...را تامین کنند.

تنها کارگران جبل کارخانه نساجی
تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند.

به گفته، مجیدزادگان مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی تنها کارگران ۴۰ کارخانه نساجی که با بحران مواجهاند تحت پوشش بیمه قرار دارند. این در حالی است که صدها کارخانه نساجی در نقاط مختلف کشور از چند سال پیش تاکنون به علل گوناگون دچار بحران گردیده و هزاران نفر از کارگران و کارکنان آن‌ها بدون هیچ گونه حمایت و کمکی به حال خود رها گردیده‌اند که کارگران چیت‌سازی بهشهر یک نمونه آن است.

رئیس دانا:

سرمایه‌داری سنتی مانع نوسازی تشکل‌های کارگری است

به گفته رئیس‌دانا، تلاش در جهت نجات تشکل‌های کارگری موجود از قید ایدئولوژی و قدرت حاکم به شرطی که گرفتار منافع تقلیل‌گرایانه صنفی و اقتصادی نشوند نوعی تحول و تغییر محسوب می‌شود. رئیس دانا در گفتگو با خبرنگار شبکه صنعت ایران گفت، تشکل‌های کارگری اساسا به شکل کلاسیک در ایران شکل نگرفته است. به گفته وی استقلال تشکل‌های کارگری مهم‌ترین و غیرقابل انکارترین خصیصه هر تشکیلات است که متاسفانه تشکل‌های موجود کارگری کمتر از آن بهره‌مند هستند.

رئیس دانا در قسمت دیگری از سخنان خود گفت، مستقل شدن تشکل‌های کارگری مهم‌ترین حرکت این تشکیلات در جهت نوسازی و ایجاد تحولات است.